

بررسی مقاله «ربا» در دائرة المعارف قرآن لایدن*

محمدجواد اسکندرلو** و صمد اسمی قیه‌باشی***

چکیده

مقاله «ربا» (usury) از جمله مقالات دائرة المعارف قرآن لایدن است که آقای مسعود العالم چوذری آن را نگاشته است. نویسنده با مراجعه به آیات قرآن کریم سعی کرده است تا حدودی دیدگاه قرآن کریم را درباره «ربا» به دست آورد و بر این باور است که «ربا» هم از جهت اقتصادی و هم از جهت اجتماعی و اخلاقی مورد توجه خاص شارع مقدس اسلام بوده است؛ لذا تحریم آن در قرآن کریم همراه با تهدیدهای مکرر و شدید بیان شده است. در این نوشتار سعی شده است ضمن توجه به نکات قوت مقاله، به کاستی‌های آن اشاره شود و به آسیب‌شناسی موضوع «ربا» در قرآن کریم بپردازد؛ چرا که ربا و ربا خواری از منظر قرآن کریم موجب ظلم، خوردن مال به باطل، کفر و ارتداد، بازدارنده رشد و تولید اقتصادی و از همه مهم تر رباخواری به مثابه اعلان جنگ با خدا و رسول اوست.

کلید واژگان: قرآن، ربا، فقه معاملات، معاملات ربوی، اقتصاد

* تاریخ دریافت ۹۱/۳/۱۶ و تاریخ تأیید: ۹۳/۱۰/۲۰.

** دانشیار جامعه المصطفی العالمية @miu.ac.ir .mj_ eskandarlo

*** دانش‌آموخته دکتری دانشکده اصول الدین .esmi1589@gmail.com

مقدمه

مدخل‌های دایرة المعارف قرآن لایدن را می‌توان از جهت ارتباط و مناسبت آنها با قرآن کریم به دو گونه تقسیم نمود: درون قرآنی و برون قرآنی.

درون قرآنی: مدخل‌هایی که به طور مستقیم در خود قرآن کریم مطرح شده‌اند، از جمله: صدقه (Almsgiving)، مالیات (زکات، خراج، جزیه) (Taxation)، حلال و حرام (Lawful) and unlawful.

برون قرآنی: مدخل‌های که به طور مستقیم در خود قرآن نیامده، بلکه ارتباط روشنی با قرآن کریم و محتوای آن دارد، از جمله: اقتصاد و مفاهیم اقتصادی (Economics)، پول (Money)، ثروت (Wealth) (برای اطلاعات بیشتر درباره مدخل‌های دایرة المعارف قرآن لایدن، «موضوعات و بایسته‌های پژوهش»، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۶).
ربا (usury) نیز یکی از موضوع‌های درون قرآنی است که هم در پژوهش‌های فقهی، به‌ویژه با پدیدار شدن روابط پیچیده نوین اقتصاد و بانکداری و هم در کاوش‌های دانش اقتصاد جایگاه ویژه‌ای دارد و بسیار مورد توجه است.

لازم به توضیح است که مسائل و احکام اسلامی بر مبناهایی استوار است که از یک طرف به تمام جوانب زندگی بشر احاطه کامل دارد و از طرف دیگر، هر یک از مسائل و احکام آن متضمن مصلحتی مهم از مصالح فردی و اجتماعی است؛ چه این ویژگی‌ها خاصیت یک دین جهانی و آیین همگانی است؛ چنان‌که ربا و رباخواری هم از جهت اقتصادی و هم از جهت اجتماعی و اخلاقی مورد توجه خاص شارع مقدس اسلام بوده است؛ لذا تحریم آن در قرآن کریم همراه با تهدیدهای مکرر و شدید آمده است که در این نوشتار بدان پرداخته می‌شود.

پیشینه ربا در مکاتب آسمانی

در شریعت تورات به طور صریح از ربا منع شده است و یهودیان ربا را بین خود جایز نمی‌دانند: «اگر نقدی به فقیری از قوم من که همسایه تو باشد، قرض دادی، مثل رباخوار با او رفتار مکن و هیچ سودی بر او مگذار» (سفر خروج، ۲۲/۲۵). در جایی دیگر آمده است: «و

اگر برادر تو فقیر شده، نزد تو تهیدست شود، او را دستگیری نمای؛ اگر چه غریب و یا میهمان باشد. تا آنکه با تو زندگانی نماید. نقد خود را به او به ربا مده و خوراک خود را به مرابحه به او مده» (سفر لویان، ۳۵-۳۷/۲۵).

از متون مسیحیت نیز استفاده می‌شود که ربا حرام است. در انجیل لوقا آمده است: «وقتی به کسانی قرض می‌دهید که از آنان انتظار اجرت دارید، پس چه فضلی برای شماست؟... ولکن خیرات را به‌جا آورید و انتظار عایدی از آن نداشته باشید. در این صورت اجرتان عظیم خواهد بود» (انجیل لوقا، ۶/۳۴ و ۳۵).

آیات مربوط به ربا در قرآن کریم هنگامی نازل شد که ربا و ربا خواری به نحو شایعی در مکه و مدینه و جزیره عربستان رواج داشت و یکی از راه‌های متداول کسب درآمد برای ثروتمندان بود. بلاذری آورده است: مردم طائف رباخوار بودند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آنان شرط کردند که رباخواری ننمایند (بلاذری، فتوح البلدان، ۱۹۷۸: ۶۷).

به رغم تحریم ربا در متون عهد قدیم و جدید، هیچ یک از رباخواران در حدّ یهودیان نبودند. بلکه یهودیان توانسته بودند، از طریق ربا ثروت زیادی جمع کنند. از آن مهم‌تر آنان و بعضی از ثروتمندان توانسته بودند گروگان‌های انسانی زیادی را مالک شوند. نقل شده است که ابونائله سلکان ابن سلامت نزد کعب بن اشرف برادر رضاعی خودش جهت اخذ وام آمد؛ چون چیزی برای دادن گروگان نداشت، کعب از او خواست، فرزند یا همسرش را نزد وی به گروگان گذارد (اجتهادی، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین، ۹۱). با اینکه خداوند متعال از یهودیان عهد و پیمان گرفته بود که خدای یکتا را بپرستند و نماز به پا داشته و زکات بپردازند ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ (بقره/ ۸۳) و حتی آنان را از ربا خواری نهی کرده بود، ولی رباخواری می‌کردند ﴿وَ أَخَذِهِمُ الرُّبَا وَ قَدْ نُهِوا عَنْهُ﴾ (نساء/ ۱۶۱).

البته این نکته را باید یادآوری نمود که نگارنده مدخل ربا به برخی آیات ربا از جمله رباخواری یهود که در قرآن کریم مطرح شده، اشاره ننموده است که می‌توان آن را یکی از نکات ضعف تحقیق او دانست.

به هر حال، می‌توان گفت، رباخواری از جمله مسائلی است که در همه پیروان ادیان و ملت‌ها حرام بوده است. امام رضا علیه السلام فرمودند: «وهو محرم علی لسان کل نبی و فی کل کتاب» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۰۰ / ۱۲۱).

گزیده ترجمه مقاله

«ربا» یعنی سود نامشروع و حرامی که به عنوان مطالبه بهره، هنگام وام دادن پول به دست می‌آید.

قرآن کریم از بهره و ربا، به عنوان ربا اشاره دارد. ربا حرام است؛ چون که آثار بدی بر توزیع مساوی، عادلانه و تولید منابع دارد. فسخ ربا به طور مفرط در هردو قراردادهای مالی «ربا الفضل» و «ربا النسبة» به کار رفته است. هم چنین در همه انواع بهره - اسمی، حقیقی، مؤثر، ساده و مرکب - نیز به کار رفته است.

قرآن کریم یک تعریف عمومی پیرامون همه انواع ربا و اقداماتی در زمینه هدایا و معاملات ارزی ارائه می‌دهد: «آنچه را شما از ربا می‌دهید برای این است که آن (یعنی ثروت شما) افزایش یابد، ولی نزد خداوند افزایش نمی‌یابد؛ اما آنچه را که شما به عنوان زکات می‌پردازید و تنها در طلب رضای خداوند هستید، پس این زکات دهندگان هستند که اموالشان دو چندان فزونی می‌یابد» (روم / ۳۹).

بدیهی است در مقابل تشویق و ترغیب قرآن نسبت به توزیع خیریه مال مانند صدقه دادن انواع بهره غیر قابل قبولی را از طریق آیه قرآنی زیر - با استفاده از نظریه ساختار بهره نرخ‌های مدت‌دار - می‌توانیم استنباط کنیم. قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را که سود دو برابر و چند برابر است، حریصانه نخورید و از خداوند پروا کنید تا شاید رستگار شوید» (آل عمران / ۱۳۰).

اگر چه تعدادی از اسلام‌گرایان مفهوم یکسانی از قانون ربای قرآنی را در همه انواع بهره نمی‌پذیرند (یعنی ربا در مقابل بهره، بهره مختلط و مرکب در مقابل بهره ساده)، ولی این تمایز دفاع ناپذیر است.

با توجه به اصل قرآنی درباره میزان عادلانه در هدایا و معاملات که در ذیل آیه (بقره/۲۷۹) وجود دارد، می‌فرماید: «اگر شما دست از ربا بر ندارید، پس اعلان جنگ با خدا و رسولش کرده‌اید. اما اگر توبه کنید سرمایه شما از آن شمامست. در معامله نه ستم روا دارید و نه بر شما ستم شود».

نویسنده به دیدگاه قرآن کریم درباره آثار زیانبار ربا اشاره نموده و گفته است: قرآن به شدت ربا را منع می‌کند؛ بر این اساس که ربا، کسب ثروت ناعادلانه را در تأمین عدالت اجتماعی، توزیع ثروت برابر و رفاه جامعه ترویج می‌دهد. و به گفته قرآن کریم، این ارزش‌های مهم را می‌توان از طریق همبستگی، همکاری و تعاون و تولید فعالانه اموال زندگی به دست آورد.

نگارنده در ادامه گفته است: چندین آیه در قرآن وجود دارد که به روابط میان لغو ربا و ترویج تجارت، و زکات و رفاه اجتماعی گواهی می‌دهد. قرآن میان زکات، تجارت و رفاه اجتماعی (بقره/۵-۲۷۴) و همچنین بین انفاق کردن اموال زندگی و رفاه اجتماعی ارتباط ایجاد کرده است (بقره/۲۶۵) و به مسائلی همچون تولید، مصرف و مبادله و توزیع کالا پرداخته است (بقره/۲۶۷).

از دیدگاه نگارنده راهکار قرآنی در مقابله با ربا این است که میان لغو ربا و عملیات تعاونی و مشارکت مالی برای تجهیز منابع، روابط روشنی وجود دارند؛ از جمله به اشتراک گذاشتن بهره، مشارکت برابر و تجارت. اینها هم اموال زندگی را فراهم و تجهیز می‌کنند و هم اجازه مشارکت و همکاری برای تمام اقشار جامعه فراهم می‌کند؛ در نتیجه توانمندی اجتماعی و سیاسی ایجاد می‌گردد. از دیدگاه نویسنده برجسته‌ترین نکته این مدخل این است که لغو ربا می‌تواند تجهیز منابع مالی را از طریق ارتباط آن با توسعه منبع واقعی فعال نماید و این باعث ایجاد اشتغال، سود آوری، سهام و بهره‌وری، تحقق امنیت اجتماعی می‌گردد. همچنین موجب می‌شود عناصر رفاه کامل اجتماعی پدیدار شود.

این دستاوردها اگر محقق گردد، به نوبه خود، صدور حکم به موقع ممنوعیت ربا، یک چرخه مستمر توسعه اقتصادی سودمند اجتماعی را به وجود می‌آورد.

بررسی و نقد مقاله

مفهوم شناسی ربا

نویسنده به تعریف «ربا» در یک سطر بسنده کرده و به معنای لغوی و کاربردهای قرآنی آن پرداخته است، در حالی که «ربا» از پیچیده‌ترین موضوعات اقتصادی و فقهی است که به طور ویژه مورد توجه قرآن کریم بوده است؛ از این رو، تبیین گسترده مفهومی آن ضروری و لازم می‌نماید.

ریشه «رَبَوَ» که ربا از آن مشتق شده، بیست بار در قرآن کریم به کار رفته است که در هشت مورد آن مستقیماً به ربا اشاره دارد (بقره/۲۷۸-۲۷۵؛ آل عمران/۱۳۰؛ نساء/۱۶۱؛ روم/۳۹). ربا در لغت به معنای فضل و زیاده است: «رَبَا الشَّيْءُ يَرْبُو وَ رَبُوا، أَي: زَادَ» (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰: ۲۸۳/۸؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۳۰۵/۱۴)؛ یعنی آن چیز افزایش یافت. راغب اصفهانی آن را به معنای «زَادَ وَ عَلَا» گرفته و سپس متذکر می‌شود که «ربا» زیاده بر سرمایه است، لکن در شرع به زیاده خاص و نه هر زیاده‌ای تعبیر شده است و آن زیاده‌ای است که در آیه شریفه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يَزِيهِ الصَّدَقَاتِ» (بقره/۲۷۶) آمده است. زیاده معقول که از آن به برکت تعبیر می‌شود، در «وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» (روم/۳۹) مورد اشاره قرار گرفته است (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۳۴۰). بعضی «نمو و رشد» را هم جزئی از معنای «ربا» دانسته‌اند (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۳۰۵/۱۴)؛ بنابراین، معنای «ربا» فزونی توأم با رشد است (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۰: ۳۵/۴).

بنابراین ربا در هرچیز به معنای زیاده در آن است. ربای در زمین، محل مرتفع آن (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۳۰۷/۱۴؛ فراهیدی، العین، ۱۴۱۰: ۲۸۳/۱۴) یا زمین پرورش یافته طیبه را گویند (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۳۰۷/۱۴)؛ به همین جهت، «ربوة» در آیه «إِلَى رِبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ مَكِينٍ» (مؤمنون/۵۰) را به سرزمین فلسطین، دمشق یا بیت‌المقدس تفسیر کرده‌اند (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰: ۲۸۳/۸).

«تربیت» را هم بدین جهت تربیت می‌گویند که فزونی در انسان به وجود می‌آید و انسان علو و رشد می‌یابد (مکارم شیرازی، ربا و بانکداری اسلامی، بی‌تا، ۵۵).

می‌توان واژه «ربا» را به دو معنای زیر خلاصه نمود:

الف) زیاد شدن؛ البته زیاد و فزونی در همه اشیا یکسان نیست. زیاد در مال با زیاد در علم متفاوت است و این دو با زیاد در زمین از حیث ارتفاع یا برکت متفاوت‌اند و ممکن است زیاد در شرف و حیثیت باشد که امری اعتباری است. بسیاری از معانی لغویان به همین معنا برمی‌گردد.

ب) رشد و نمو کردن؛ در واقع معنای تغذیه کودک، گیاه یا حیوان و رشد او از همین باب است.

تعریف اصطلاحی ربا

نویسنده «ربا» را سود نامشروع و حرامی دانسته است که به عنوان مطالبه بهره هنگام وام دادن پول به دست می‌آید، در حالی آنچه از قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام به دست می‌آید «ربا» هر نوع قرضی را شامل می‌شود که زیاد خواهی در آن شرط شود؛ چه نقدینگی (پول) باشد چه غیر نقدینگی. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که درباره معنای «ربا» فرمودند: «الرِّبَا الْحَرَامُ فَهُوَ الرَّجُلُ يُقْرِضُ قَرْضًا وَيَشْتَرِطُ أَنْ يَرُدَّ أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَهُ فَهَذَا هُوَ الْحَرَامُ» (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۱۳۸۳: ۱۸ / ۱۶۱)؛ ربای حرام عبارت است از اینکه شخصی به دیگری قرض دهد و شرط کند که بیشتر از آنچه گرفته، برگرداند. این همان ربای حرام است.

باید یادآوری نمود، اگر شخصی که قرض نموده، بدون شرط قبلی بیشتر از آنچه گرفته، برگرداند، دیگر حرام نخواهد بود، (همان، ۱۶۰/۱۸)؛ بنابراین شرط زیاد در قرض مهم است که عنوان ربا و حرام را تعیین می‌بخشد.

بر اساس همین روایات، فقهای اسلام ربا را به صورت زیر تعریف کرده‌اند: «ربا در بیع با دو وصف جنسیت و مکیل یا موزون بودن پدید می‌آید و در قرض با شرط نفع ربا تحقق می‌یابد» (محقق حلی، شرایع الاسلام، ۱۴۱۵: ۱ / ۲۹۷).

امام خمینی در عبارتی جامع ربا را چنین تعریف نموده است: ربای معاملی [= داد و ستدی] همان فروختن چیزی است به چیز دیگری همانند آن، همراه با افزایشی در یکی از آن دو. این افزایش، خواه عینی و خارجی باشد (مانند فروختن یک من گندم در برابر دو من آن یا یک من گندم و یک درهم پول) و یا خواه حکمی (مانند یک من گندم نقد در برابر یک من گندم نسبی). دیدگاه قوی تر نیز آن است که این گونه ربا تنها در فروختن نیست، بلکه در دیگر معامله‌ها مانند صلح و ... هم هست. نخست: همانندی در جنس نزد عرف ... دوم: هر دو جنس با وزن یا پیمانه اندازه‌گیری شوند؛ بنابراین؛ چیزی که با شمارش یا دیدن فروخته می‌شود، ربا در آن نیست (امام خمینی، کتاب البیع، ۱۳۹۱: ۲/ ۴۰۶-۴۰۵).

شهید مطهری ربا را این گونه تعریف می‌کند: ربای معمول که در دنیا به نام ربا خوانده می‌شود، همین است که سودی در مقابل قرض بگیرند و بیشتر قرض‌ها هم در مورد پول است، ولی در اسلام غیر از ربای قرض که به شدت حرام شده، نوعی معامله هم حرام شده و اسم آن نیز ربا گذاشته شده است که به آن ربای معاملی گویند و آن این است که جنسی به مثل خودش، ولی با زیاده خرید و فروش کنند (مطهری، مجموعه آثار، بی تا: ۲۰/ ۲۹۴). از نظر علامه طباطبایی ربا خواری عبارت است از کاهش یافتن بنیه مالی یک عده و ضمیمه شدن اموال آنان به اموال رباخوار (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۸۹: ۲/ ۴۱). بنابراین، آنچه از تعریف علما استفاده می‌شود، ربا را این گونه می‌توان تعریف نمود: ربا عبارت است از دریافت زیادی در مبادلات دو کالای همجنس که موزون یا مکیل باشند و یا دریافت اضافی در قرض با شرط قبلی که از سوی نویسنده مغفول مانده است.

اقسام ربا

نویسنده بیان می‌کند که قرآن کریم، به هردو بهره و ربا، به عنوان ربا اشاره دارد. فسخ ربا و حرام بودن آن هم در «ربا الفضل» و «ربا النسبة» و هم در تمام انواع بهره - اسمی، حقیقی، مؤثر، ساده و مرکب - به کار رفته است.

نویسنده به واژه‌گانی که در این مدخل بدان پرداخته، هیچ توضیح و تعریفی از آنها ارائه نمی‌دهد، قلمرو مباحث را روشن ننموده و تمام انواع بهره را بدون آنکه توضیحاتی ارائه دهد، با ربا یکسان دانسته و گفته است همه اینها از دیدگاه قرآن کریم حرام است.

وی در ادامه گفته است، برخی از مسلمانان مفهوم یکسانی از قانون ربای قرآنی را در همه انواع بهره نمی‌پذیرند وی نظر اینان را دفاع ناپذیر دانسته است، در حالی که آن را مستند نموده و روشن نمی‌کند که منظور از برخی مسلمانان چه کسانی هستند. با وجود این که انواع بهره و تطبیق یا عدم تطبیق آن با ربا، تحقیق جداگانه‌ای می‌طلبد، می‌توان گفت اگر بهره را به معنای سود و منفعت بدانیم، در این صورت، چند حالت دارد؛ یا سرمایه‌گذار خود صاحب سرمایه است که جای بحث نیست و بدون شک ربا نیست. اگر سرمایه‌گذار جدای از تولید کننده کالا و خدمت و صاحب کار اقتصادی باشد، ولی در سود و زیان از طریق عقد یا ایقاعی شریک شده باشد، باز ربا نیست (رجایی، ماهیت بهره و ربا، دیدگاه مقایسه‌ای، ۱۳۸۴: ۲۱)

ولی اگر بهره را همانند ربا زیاده در قرض با شرط قبلی بدانیم، بر این اساس حرمت ربا شامل انواع بهره، اعم از بهره طبیعی و قراردادی، بهره اسمی و بهره حقیقی، بهره زیاد و اندک، بهره با نرخ ثابت و متغیر، بهره ضروری و غیرضروری، بهره خالص و بهره ناخالص، بهره وام‌های مصرفی و تولیدی می‌گردد؛ در نتیجه، بهره و ربا منطبق بر یکدیگر می‌باشند (همان، ۳۲).

ربا از نظر فقهی بر دو قسم «معاملی» و «قرضی» تقسیم می‌شود.

ربای معاملی: آن است که کالایی با هم جنس آن به طور پایاپای مبادله شود. در ربای معاملی نیز دو شرط لازم است:

۱- کالای مورد معامله از دو طرف هم جنس باشد.

۲- کالا با مقیاس وزن یا کیل معامله می‌شود (محقق حلی، شرایع الاسلام، ۱۴۱۵: ۲/۲۹۷).

ربای قرضی: آن است که شخص پولی را به دیگری وام دهد و شرط کند که وام گیرنده هنگام پرداخت به او سود بدهد. در گذشته ربای معاملی رواج داشته، ولی در عصر حاضر آنچه بیشتر رایج است، ربای قرضی است و سیستم بانکی به صورت سازمان یافته در سراسر جهان شبکه گسترده بهره کاری و معاملات ربوی را رهبری می‌کند (همان).

فقه‌های اهل سنت ربا را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: ربای نسیه و ربای فضل.

ربای نسبه بدین معناست که پرداخت زیاده در مقابل زمان تأخیر پرداخت عوض باشد؛ مثلاً ۱۰ کیلوگندم در تابستان می‌فروشد به ۱۵ کیلو گندم در زمستان.

ربای فضل به معنای مبیع یکی از دو متجانس به دیگری است بدون تأخیر در قبض. مذاهب اربعه اهل سنت همه فتوا به حرمت این دو نوع ربا داده‌اند. البته شافعیه علاوه بر ربای فضل و نسبه، قسم سومی ذکر کرده‌اند که ربای قرض است. نسبت به شرط مکیل و موزون در ربای معاملی بین مذاهب اهل سنت تنها حنبله و حنفیه هستند که معتقد به این شرط می‌باشند (جزایری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ۲/ ۲۵۱-۲۴۱).

نویسنده در ادامه به بررسی برخی آیات ربا پرداخته و سعی کرده است، دیدگاه قرآن کریم را درباره آن به درستی منعکس نماید. هم به اثر زینبار «ربا» و هم برخی از راه‌کارهای قرآنی مقابله با ربا از جمله انفاق و زکات توضیحاتی داده است که می‌توان آن را از نکات قوت نگارنده دانست.

بنابراین، آنچه در بررسی آیات مربوط به ربا در این مدخل آمده، می‌توان به دو بخش تقسیم نمود:

۱- چه آثار زینباری ممکن است بر اساس ربا و رباخواری در جامعه به وجود آید؟

۲- قرآن کریم چه راه‌کارهایی در مبارزه با ربا ارائه می‌نماید؟

۱- آسیب‌شناسی و آثار زینبار ربا

الف) ربا مصداق بارز ظلم

نویسنده گفته است، اینکه در معامله و هدایا عدالت باید رعایت شود و بر کسی نباید ظلم شود، مستند به آیه ۲۷۹ سوره بقره و یک اصل قرآنی است.

قرآن کریم درباره رباخواری تصریح دارد که اصل سرمایه برای شماست نه ظلم کنید و نه به شما ظلم شود: ﴿فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ (بقره/ ۲۷۹)؛ «یعنی اگر ربا بگیرید، ظلم کرده‌اید و اگر سرمایه اصلی شما را به خودتان برنگردانند، به شما ظلم شده است». در روایات زیادی از ربا به عنوان منشا ظلم و فساد یاد شده است. از امام رضا (ع) روایت

شده که می‌فرمایند: «به دلیل اینکه ربا منشأ فساد و ظلم است، حرام شده است» (حر عاملی، وسایل الشیعه، ۱۳۸۳: ۱۲۱/۱۸)؛ بنابراین، ربا از مصادیق بارز ظلم است، چون تمام افرادی که در جامعه فعالیت اقتصادی دارند، هم احتمال سود دارند و هم زیان و تنها رباخواران هستند که از این قانون مستثنا هستند و بدون اینکه کار مفیدی انجام دهند، سود خالص می‌برند (مکارم شیرازی، ربا و بانکداری اسلامی، بی‌تا: ۳۷). دلیل دیگر این است که رباخواران روزه‌روز سرمایه‌دارتر و وام‌گیرنده فقیر و فقیرتر می‌شود و مهم‌ترین دلیل عمده شکاف طبقاتی در جامعه است که در نتیجه به اضمحلال و نابودی جامعه می‌انجامد.

ب) ربا بازدارنده مردم از تولید سالم و تلاش‌های اقتصادی سازنده

نویسنده گفته است: میان لغو ربا و عملیات تعاونی و مشارکت مالی برای تجهیز منابع روابط روشنی وجود دارد؛ بنابراین، تحریم ربا به تمام اقشار جامعه اجازه مشارکت و همکاری می‌دهد. در نتیجه، توانمندی اجتماعی و سیاسی ایجاد می‌گردد. ربا سبب می‌شود که مردم از تجارت‌ها و معامله‌های مفید و سودمند، اما پر زحمت و حلال روی گردان شده، جذب این معامله فاسد، پردرآمد و کم زحمت و حرام بشوند. برای همین خداوند متعال خرید و فروش را حلال و ربا را حرام نموده است: ﴿وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا﴾ (بقره/ ۲۷۵). در این زمینه روایات متعددی نیز آمده است. هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام درباره علت حرمت ربا پرسید. حضرت فرمودند: «إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبُّ حَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التِّجَارَاتِ وَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَّ لِغَيْرِ النَّاسِ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَ إِلَى التِّجَارَاتِ وَ إِلَى الْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ فَيَبْقَى ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ» (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۵۶۷/۳؛ حرعاملی، وسایل الشیعه، ۱۳۸۳: ۱۲۰/۱۸)؛ اگر رباخواری حلال بود، مردم کارهای مفید تجاری و هر آنچه که به آن احتیاج داشتند، ترک می‌کردند؛ به همین جهت خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از آن متنفر شوند و به سوی کارهای حلال و تلاش‌های اقتصادی مفید بروند و وام فقط به صورت قرض الحسنه باقی بماند، چون در تجارت و خرید و فروش معمولی هر دو طرف به صورت یکسان در معرض سود و زیان هستند، در حالی که در معاملات ربوی رباخواران هیچگاه

زیان نمی‌بینند. در تجارت سالم طرفین در مسیر تولید و مصرف صحیح گام برمی‌دارند؛ در صورتی که رباخوار هیچ عمل مثبتی انجام نداده و مانع تولید سالم اقتصادی است (مکارم شیرازی، نمونه، ۱۳۷۴: ۲/ ۳۶۹).

بنابراین با شیوع رباخواری سرمایه‌ها در مسیر ناسالم می‌افتد و پایه‌های اقتصاد که اساس اجتماع است، متزلزل می‌گردد در حالی که تجارت صحیح موجب گردش سالم ثروت است (مکارم شیرازی، ربا و بانکداری اسلامی، بی‌تا: ۳۶).

ج) ربا عامل بی‌ثباتی و بحران اقتصادی

براساس دیدگاه نگارنده اینکه قرآن کریم به شدت ربا را منع نموده، بدین دلیل این است که ربا عامل بی‌ثباتی در جامعه بوده و کسب ثروت ناعادلانه را در تأمین عدالت اجتماعی، توزیع ثروت برابر و رفاه جامعه ترویج می‌دهد؛ بنابراین، جامعه‌ای که اقتصاد آن به ربا آلوده باشد، جامعه به دو طبقه متخاصم ثروتمند و فقیر تقسیم می‌گردد. و اقتصاد جامعه نیز مانند آدمِ مصروع (گیج و سردرگم) بی‌ثبات می‌گردد؛ بنابراین، بحران اقتصادی به وجود می‌آید (توانایان فرد، ربا در قرآن، ۱۳۶۱: ۱۲).

پس در همچون جامعه‌ای وضعیت تولید و اشتغال نیز بحرانی می‌شود. اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری به این نتیجه اذعان دارند که وجود ربا به خصوص در بهره بانکی امروزه، از عوامل عمده بی‌ثباتی در نظام اقتصادی است (همان، ۱۳).

ربا تعادل و موازنه ثروت را در جامعه به هم می‌زند و آن نظامی را که فطرت الهی به آن راهنمایی می‌کند و باید در جامعه حاکم باشد، مختل می‌سازد (طباطبایی، المیزان، ۱۳۸۹: ۲/ ۶۳۱). قرآن کریم با کلام معجزه گونه می‌فرماید: کسانی که داد و ستد و مبادلات خود را در چارچوب اقتصاد سرمایه‌داری انجام دهند که به ربا آلوده باشد؛ مانند جن زدگان، گاهی بر زمین می‌خورند و گاهی سرپا می‌ایستند؛ به همین دلیل، خداوند به طور قطع ربا را حرام و خرید و فروش را حلال کرده است: ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا﴾ (بقره/ ۲۷۵).

د) استرداد مال ربوی یا اعلان جنگ با خدا و رسول او

یکی دیگر از آیاتی که نگارنده نیز بدان توجه داشته، آیه ۲۷۹ سوره بقره است. این اعلان جنگ با خدا و رسول او، نشانگر نهی شدید و تحریم آن است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (بقره/ ۲۷۸-۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بپرهیزید و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید، اگر ایمان دارید. اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید به جنگ با خدا و رسول او روبه‌رو خواهید بود و اگر توبه کنید سرمایه‌های شما از آن شماست (اصل سرمایه بدون سود) نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم وارد می‌شود».

در شأن نزول این دو آیه شریفه از قول امام باقر علیه السلام چنین وارد شده که فرموده‌اند: «ولید بن مغیره در عصر جاهلیت معامله ربوی انجام می‌داد و ربا می‌گرفت و مقداری از مطالبات ربوی او نزد طایفه ثقیف باقی مانده بود. خالد بن ولید مطابق وصیت پدرش قصد گرفتن آن اموال را داشت که آیات فوق نازل گشت و مردم را به شدت از این عمل نهی کرد» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۸: ۲/ ۶۷۳؛ سیوری، کنز العرفان، ۱۳۸۴: ۲/ ۳۸؛ قمی، تفسیر قمی، ۱۴۱۱: ۱/ ۲۷۰؛ سیوطی، درالمنثور، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۶۴). خداوند با تعبیر «وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» افراد با ایمان را مخاطب قرار داده و پس از دستور به تقوای الهی به آنان توصیه می‌کند که اگر ایمان دارید، از گرفتن مابقی مطالبات ربوی خود از بدهکاران صرف نظر نمایید. این جمله ضمن اینکه بر تحریم ربا که از لوازم ایمان به خداوند است، دلالت دارد (طباطبایی، المیزان، ۱۳۸۹: ۲/ ۴۲۲) مستلزم عدم تکلیف کفار به ترک ربا نیست، چه اینکه از کافر در حال کفر خواسته نمی‌شود که احکام الهی را انجام دهد، بلکه در آغاز مکلف به ایمان گشته و بعداً به فروع و لوازم ایمان تکلیف پیدا می‌کند (سیوری، کنز العرفان، ۱۳۸۴: ۲/ ۳۹).

اما با تعبیر «فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» خطاب به رباخواران کرده و فرموده است: اگر چنین نمی‌کنید (رباخواری را ترک نمی‌کنید)، بدانید اعلان جنگ با خدا و رسول او نموده‌اید. برخی «فأذنوا» قرائت کرده‌اند که به معنای اعلام است، اما در هر دو

صورت معنای یقین در آن تضمین شده است و به همین جهت کلمه «حرب» هم با «باء» حرف جر آورده شده است که بر تأکید دلالت می‌نماید (جزائری، قلائد الدرر، ۱۴۰۴: ۲/ ۲۴۶)؛ نیز نکره آمدن حرب بر تعظیم یا تنويع دلالت داشته و نسبت دادن آن به رسول خدا ﷺ از نظر ارتباط آن به حکمی است که خداوند تشریح فرموده و رسول خدا ﷺ آن را به مردم ابلاغ نموده است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۸۹: ۲/ ۴۲۲)؛ از این جمله فهمیده می‌شود که دولت اسلامی می‌تواند با وضع مقررات الزامی با رباخواری مبارزه کرده از تشدید و استمرار آن جلوگیری نماید.

از آیه شریفه این احکام به دست می‌آید:

۱- امضای اصل مالکیت طبق جمله ﴿فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ﴾.

۲- امضای معاملات غیر ربوی؛ چون سرمایه‌ها ﴿رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ﴾ در جایی گفته می‌شود که مال، مورد کسب و معامله قرار گیرد و در فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته شود (طباطبایی، المیزان، ۱۳۸۹: ۲/ ۴۲۳).

از دیدگاه قرآن کریم ربا و رباخواری آثار زیانبار فراوان دنیوی و اخروی برای فرد و جامعه به همراه دارد که نویسنده مقاله به برخی از آنها توجه نداشته است. در این نوشتار بر اساس آیات قرآن به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود که می‌توان آنها را از دستاوردهای این پژوهش دانست.

هـ) رباخواری موجب خبط و دیوانگی

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ﴾ (بقره/ ۲۷۵)؛ «کسانی که ربا می‌خورند از جای خود بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان با او دیوانه شده و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ نماید؛ گاه به زمین می‌خورد و گاه برمی‌خیزد».

علامه طباطبایی رحمته الله می‌فرماید: همان طوری که ربا خواری برخلاف فطرت می‌باشد و تشخیص صحیح را از انسان می‌گیرد و نظام اجتماعی را نیز مختل می‌سازد برای اینکه از

یک طرف رباخوار، اختلاس و ربودن اموال بدهکاران را مرتکب می‌شود و از طرف دیگر، بدهکاران به تهی دستی و جمع شدن اموالشان در دست ربا خوار مجبور می‌شوند، همین کاهش و نقصان از یک طرف و تکاثر اموال از طرف دیگر نیز منجر به این می‌شود که به مرور زمان و روز به روز خرج بدهکار و مصرف او بیشتر شود و با زیاد شدن احتیاج و مصرف و نبودن درآمدی که آن را جبران کند، روز به روز خرج بیشتر می‌شود و ربا نیز تصاعد می‌یابد و این تصاعد از یک طرف و نبودن جبران از طرف دیگر، زندگی بدهکار را منهدم می‌سازد (طباطبایی، المیزان، ۱۳۸۹: ۲/ ۴۱۲).

تشبیه رباخواران به دیوانگان سپس تعلیل آن به این پندار که ربا همانند بیع است. موجب گردیده که در اندیشه و رفتارهمانند دیوانگان اندیشیده و رفتارکنند و بر خلاف جهت عقل و خردمندان حرکت کنند، زیرا بیع یک عمل سازنده و در جهت بالا بردن سطح اقتصاد جامعه است، ولی ربا ویران کننده است (معرفت، نامه مفید، ۱۳/ ۳۳).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، ربا خواری همان گونه که تعادل انسان را به هم زده و او را مصروع و آشفته سر می‌نماید و قدرت تشخیص حلال و حرام و نیکی و بدی را از او می‌گیرد و خرید و فروش همچون ربا پنداشته می‌شود (بقره/ ۲۷۵) باعث به هم زدن تعادل و توازن نظام اجتماعی نیز می‌گردد. در حالی که قرآن کریم تأکید دارد که به افراد مستحق در جامعه باید کمک نمود تا که ثروت و دولت در دست اغنیا نچرخد: ﴿لَا يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ (حشر/ ۷).

(و) ربا خواری؛ موجب کفر و جاودانگی در آتش جهنم

جامعه زمانی مؤمن است که نظام اجتماعی خود را بر اساس مقتضیات اسلام تنظیم کند؛ چون شریعت اسلام بر اساس فطرت انسانی پایه ریزی شده است: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ (روم/ ۳۰) محال است که ایمان و نظام ربوی در یک جامعه جمع شود. هرگاه نظام ربوی در جامعه حاکم شود، همه افراد آن از دین و ایمان خارج می‌شوند و وارد آتش می‌گردند که خداوند متعال برای کافران مهیا کرده است (سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۲/ ۷۵).

خداوند متعال می‌فرماید: کسانی که دست از رباخواری برنمی‌دارند، اصحاب جهنم هستند و در آن جاویدان می‌مانند ﴿... مَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره / ۲۷۵). رباخوار چون بسیاری از نعمت‌های خداوند را کفران می‌کند، کفر شدیدی دارد و خداوند خود بر عهده گرفته که ربا را نیست و نابود کند و هیچ کافرپیشه و گناه‌آلوده را دوست نمی‌دارد: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا... وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾ (بقره / ۲۷۶).

در آیه نخست برای ربا خوار خلود در جهنم تعبیر شده است. خلود یعنی جاودانگی در دوزخ (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰: ۴ / ۲۳۱) که ویژه کسانی است که بی‌ایمان از دنیا بروند، ولی آنها که با ایمانند ولی مرتکب گناهی شده‌اند هرگز خلود در دوزخ ندارند. هنگامی که کیفر گناهان خود را دیدند و ناخالصی هایشان برطرف شد و شایسته بهشت شدند، رهایی می‌یابند و مشمول عفو الهی می‌شوند (مکارم شیرازی، ربا و بانکداری اسلامی، بی‌تا: ۱۳-۱۲). بنابراین آنچه از این آیات استفاده می‌شود آن است که کسی که رباخواری کند و از آن برنگردد، اهل آتش است و همواره در آن خواهد ماند.

علامه طباطبایی رحمته الله در المیزان می‌نویسد: خدای سبحان در امر ربا خواری شدتی به کار برده که در باره هیچ یک از فروع دین این شدت را به کار نبرده است، اما در مورد بقیه گناهان کبیره هر چند مخالفت خود را با آنها اعلام نموده و در امر آنها سخت‌گیری هم کرده، لکن لحن کلام خدا ملایم‌تر از مسئله ریاست و حتی لحن قرآن در مورد زنا، شرب خمر، قمار، ظلم و گناهانی بزرگ‌تر از این، چون کشتن افراد بی‌گناه، ملایم‌تر از این گناه است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۸۹: ۲ / ۴۱۰)؛ این نیست مگر برای اینکه فساد آن گناهان از یک نفر و یا چند نفر تجاوز نمی‌کند و آثار شومش تنها بعضی از ابعاد زندگانی مانند: فساد ظاهر اجتماع و اعمال ظاهری افراد را در بر می‌گیرد، به خلاف ربا و حکومت بی‌دینان که آثار سوءاش بنیان دین را منهدم می‌سازد و آثارش را به کلی از بین می‌برد و نظام حیات را تباه می‌سازد و پرده‌ای بر روی فطرت انسانی می‌افکند و حکم فطرت را ساقط می‌کند و دین را به دست فراموشی می‌سپارد (همان). در آیه دوم نیز خداوند رباخواران را مذمت و تهدید نموده است و هم «کفر» به آنان نسبت داده و هم اثم (گناه) را که تأکیدی بر معنای کفر است.

پس می‌توان نتیجه گرفت رباخوار کسی است که در نهاد او ذره‌ای از ایمان وجود ندارد و رباخواری موجب جاودانگی در آتش دوزخ است.

ز) امحاق ربا در مقابل ارباء صدقات

خداوند وعده داده است که ربا را خود محو و نابود می‌کند و صدقات را رشد و نمو می‌دهد: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيهِ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾ (بقره/ ۲۷۶). «محق» به معنای نقصان و از بین برنده برکت (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۰/ ۳۳۸) و نابودی تدریجی است: امین الاسلام طبرسی رحمته الله می‌نویسد: «يَمْحَقُ اللَّهُ» ای ینقص الله «الرِّبَا» حالاً بعد حال (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۸: ۲/ ۶۷۱)؛ یعنی خداوند ربا را به طور تدریجی از بین می‌برد. در مقابل کلمه (ارباء) که مصدر فعل (یریبی) است، به معنای نمو و رو به زیادت نهادن است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۸۹: ۲/ ۴۱۹).

آیه شریفه، «ارباء صدقات» و «محق ربا» را مقابل یکدیگر قرار داده است؛ چون صدقات باعث جلب محبت و حسن تفاهم و جذب قلوب است و امنیت را گسترش می‌دهد و دل‌ها را از اینکه به سوی غصب، دزدی، افساد، اختلاس بگراید، باز می‌دارد و نیز باعث اتحاد و مساعدت و معاونت گشته و اکثر راه‌های فساد و فتنای اموال را می‌بندد. اما ربا باعث قساوت قلب و خسارت می‌شود و این دو باعث بغض و عداوت و سوء ظن می‌گردد و امنیت و مصونیت را سلب نموده، نفوس را تحریک می‌کند تا از هر راهی و وسیله‌ای که ممکن باشد، از یکدیگر انتقام بگیرند. همه اینها باعث تفرقه و اختلاف می‌شود و راه‌های فساد، زوال و تباهی مال را می‌گشاید و کمتر مالی از آفت یا خطر زوال محفوظ می‌ماند (همان، ۴۱۹-۴۲۱/۲).

۱۰۵ همه اینها برای این است که صدقه و ربا هر دو با زندگی طبقه محروم و محتاج مرتبط است؛ زیرا احتیاج به ضروریات زندگی، احساسات باطنی آنان را تحریک کرده، در اثر وجود عقده‌ها و خواسته‌های ارضا نشده آماده دفاع از حقوق زندگی خود گشته و هر طور که شده در صدد مبارزه بر می‌آیند. حال، اگر در این هنگام به ایشان احسان شده و کمک‌های

بلاعوض برسد، احساساتشان تحریک می‌شود تا با احسان و حسن نیت خود، آن احسان را تلافی کنند و اگر در چنین وضعی در حق آنان با قساوت و خشونت رفتار شود، به طوری که تتمه مالشان هم از بین برود و آبرو و جانشان در خطر افتد، با انتقام مقابله خواهند کرد و به هر وسیله ممکن طرف مقابل را منکوب می‌سازند و کمتر رباخواری است که از آثار شوم این مبارزه محفوظ بماند. بلکه آنهایی که سرگذشت رباخواران را دیده‌اند، همه از نکبت و نابودی اموال آنان، ویرانی خانه‌ها و بی‌ثمر ماندن تلاش‌هایشان از قهر فقرا خبر می‌دهد.

ح) ربا اکل مال به باطل

آنچه از قرآن کریم و روایات اسلامی استفاده می‌شود این است که ربا، خوردن مال به باطل است و بدون شک خوردن مال به باطل، حرام است: «هو حرام بالنص و الاجماع و من اعظم الکبائر...» (شهید اول، دروس الشرعیه، ۱۴۱۴: ۵/ ۲۹۳؛ شهید ثانی، الروضة البهیة، ۳/ ۴۳۸؛ نجفی، جواهر الکلام، ۱۹۸۱: ۳/ ۳۳۲-۳). ربا طبق نص و اجماع حرام و از گناهان کبیره است.

خداوند سبحان رباخواری را در ردیف اکل مال به باطل قرار داده، می‌فرماید: ﴿وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ﴾ (نساء/ ۱۶۱) و از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «عِلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا لِمَا نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ وَ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِ الْأَمْوَالِ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا اشْتَرَى الدَّرْهَمَ بِالدَّرْهَمَيْنِ كَانَ تَمَنُّ الدَّرْهَمِ دَرْهَمًا وَ تَمَنُّ الْآخِرِ بَاطِلًا فَيَبِيعُ الرِّبَا وَ شِرَاؤُهُ وَكُسٌّ عَلَى كُلِّ حَالٍ عَلَى الْمُشْتَرِي وَ عَلَى الْبَائِعِ فَحَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ الرِّبَا...» (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۳/ ۵۶۶). امام رضا علیه السلام در این روایت برای حرمت ربا دو دلیل ذکر فرموده است: نخست سخن خداوند متعال در قرآن مجید که از رباخواری نهی کرده است، دیگر اینکه رباخواری اکل مال به باطل است، سپس امام علیه السلام مثال می‌زند که اگر کسی یک درهم را به دو درهم بفروشد، در این معامله یک درهم در مقابل یک درهم قرار می‌گیرد، اما درهم دومی که فروشنده از خریدار می‌گیرد باطل است و دلیل عقلی و منطقی ندارد؛ به همین جهت، خوردن مال به باطل است؛ از این‌رو، رباخواری حرام شده است. ایشان سپس چنین معامله‌ای را که باعث فساد اموال می‌شود به معامله انسان سفیه تشبیه می‌کند؛ یعنی معامله ربوی شبیه معامله سفیهی است که باطل می‌باشد.

نتیجه اینکه طبق آیه شریفه و روایات رسیده، رباخواری نوعی خوردن مال به باطل است و به همین سبب تحریم شده است.

۲- راه کارهای قرآن کریم در مبارزه با ربا و رباخواری

از نظر نگارنده چندین آیه در قرآن کریم وجود دارد که در مقابل تحریم و لغو ربا به انفاق، زکات و ترویج تجارت و تأمین رفاه اجتماعی تشویق و ترغیب می‌نماید. قرآن کریم درباره به هم پیوستگی میان زکات، تجارت و رفاه اجتماعی می‌فرماید: «کسانی که اموال خود را در شب و روز و در نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان است نه ترسی دارند و نه حزن و اندوهی».

دین مبین اسلام این‌گونه نیست که در مقابل تحریم ربا و رباخواری هیچ‌گونه راه‌کاری ارائه نماید، بلکه همان طوری که برای بشریت در زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و سیاسی دستورات لازم و مناسب دارد، برای فعالیت و رشد اقتصادی سالم در تمام سطوح جامعه از جمله فردی و اجتماعی و حتی در سطح بین‌المللی برنامه روشن و منسجم و منظمی ارائه می‌نماید.

در مقابل نهی از رباخواری که یکی از مهم‌ترین معضل و مفسد اقتصادی می‌باشد، راه‌کارهای مناسب ارائه می‌نماید که هم با سنن صحیح اجتماعی، عقل و علم سازگار است و هم مطابق با فطرت سلیم بشری. از جمله این راه‌کارها انفاق (بقره/ ۳، ۱۹۵، ۲۱۵، ۲۵۴، ۲۶۱ و...)، صدقه (بقره/ ۲۶۴، ۲۷۶؛ نساء/ ۱۱۴ و...)، زکات (بقره/ ۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷، ۲۷۷ و...)؛ قرض الحسنه (بقره/ ۲۴۵؛ مائده/ ۱۲؛ حدید/ ۱۱، ۱۸؛ تغابن/ ۱۷؛ مزمل/ ۲۰)، معاملات مشروع در عقود اسلامی و عملیات تجاری (نساء/ ۲۹) می‌باشد. در این نوشتار به علت گستردگی بحث به بررسی آیات انفاق در قرآن کریم به عنوان یکی از راه‌کارهای قرآن کریم اشاره می‌شود که می‌توان آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین راهکار قرآنی مقابله با ربا و رباخواری مطرح نمود.

انفاق در مقابل ربا

یکی از راه‌کارهای قرآن کریم در مبارزه با ربا و ربا خواری انفاق است. آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که مؤمنان را تشویق و ترغیب می‌نماید که در راه خداوند انفاق نمایند. خداوند متعال می‌فرماید: «از هر آنچه روزیتان کردیم، انفاق کنید»: ﴿مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره / ۳؛ انفال / ۳)، ﴿انْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ﴾ (بقره / ۲۵۴)، ﴿وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ﴾ (نساء / ۳۹) و همچنین از آنچه پاک و طیب است و از راه حلال به دست آورده‌اید، انفاق کنید: ﴿انْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ﴾ (بقره / ۲۶۷)، ﴿مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ﴾ (بقره / ۲۱۵)، هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ (آل عمران / ۹۲).

انفاق کردن زمان و مکان نمی‌شناسد، کسانی که اموالشان را در شب و روز و آشکارا و پنهان انفاق می‌کنند، اجر و پاداششان نزد خداوند است: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ (بقره / ۲۷۴).

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ (بقره / ۲۶۱).

بنابراین؛ ربا خواری درست ضد و مقابل انفاق و صدقه است؛ چون رباخوار پول بلاعوض می‌گیرد، ولی انفاق‌گر پول بلاعوض می‌دهد. از دیگر آثار سوئی که بر رباخواری بار می‌شود، درست مقابل آثار نیکی است که از صدقه و انفاق به دست می‌آید؛ آن، اختلاف طبقاتی و دشمنی می‌آورد و این، بر رحمت و محبت می‌افزاید. آن خون، مسکینان را به شیشه می‌گیرد و این، قوام زندگی محتاجان و مسکینان را باعث می‌شود آن، اختلاف در نظام و ناامنی می‌آورد و این، انتظام در امور و امنیت را (طباطبایی، المیزان، ۱۳۸۹، ۲ / ۴۰۹).

نتیجه

براساس آنچه در این نوشتار گذشت، می‌توان به نکات زیر به عنوان مهم‌ترین نتایج تأکید نمود.

۱- ربا یکی از موضوع‌های درون قرآنی است که در پژوهش‌های فقهی - حقوقی، به ویژه در دانش اقتصاد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ربا و رباخواری از جمله مسائلی است که در تمام ادیان آسمانی حرام بوده است و قرآن کریم نیز حکم صریح و روشنی درباره آن دارد. ۲- نویسنده به تعریف «ربا» در یک سطر بسنده کرده است، در حالی که «ربا» از پیچیده‌ترین موضوعات اقتصادی و فقهی است، که به طور ویژه مورد توجه قرآن کریم قرار گرفته است؛ از این رو، تبیین گسترده مفهومی آن ضروری و لازم می‌نماید.

۳- نویسنده «ربا» را محدود به بهره پول دانسته که هنگام وام دادن به دست می‌آید و همه انواع بهره را با ربا از دیدگاه قرآن کریم یکسان دانسته و هیچ توضیحی درباره آنها اراده نمی‌نماید، در حالی که در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام «ربا» شامل قرضی می‌شود که زیاده‌خواهی در آن شرط شود، چه نقدینگی (پول) باشد چه غیر نقدینگی. اگر بهره را همانند ربا زیاده در قرض با شرط قبلی بدانیم، در این صورت، بهره و ربا منطبق بر یکدیگر می‌باشد. در حالی که اگر زیاده در قرض بدون شرط قبلی و با رضایت قرض گیرنده باشد، دیگر حرام نخواهد بود.

۴- از دیدگاه نویسنده میان تحریم ربا و ترویج تجارت، زکات، تولید و رشد سالم اقتصادی و رفاه اجتماعی ارتباط روشنی وجود دارد. ریشه کن نمودن ربا به طور کلی، باعث ایجاد اشتغال، سودآوری، بهره‌وری و تحقق امنیت اجتماعی می‌گردد که می‌توان آن را از نکات قوت مقاله دانست.

۵- قرآن کریم شدت و تهدیدی که در امر رباخواری به کار برده، درباره هیچ یک از فروع دین به کار نبرده است؛ به سبب اینکه آثار سوءاش کل جامعه را فرا می‌گیرد و سبب شکاف طبقاتی می‌شود و بنیان دین را منهدم می‌سازد.

۶- از منظر قرآن کریم ربا خواری موجب ظلم، اکل مال به باطل، کفر و ارتداد، عامل بی ثباتی و بحران اقتصادی در جامعه و موجب جاوداندگی در آتش جهنم و اعلان جنگ با خدا و رسول اوست.

۷- قرآن کریم راه کارهای مناسبی برای مقابله و مبارزه با ربا ارائه می نماید؛ از جمله انفاق، زکات، صدقه، قرض الحسنه.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۴. اجتهادی، ابوالقاسم، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین، بی جا: بی تا.
۵. باهر، حسین، تحلیل مقایسه‌ای از بهره و ربا، بی جا: ۱۳۵۸.
۶. بلاذری، ابوالحسن، فتوح البلدان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۸م.
۷. توانایان فرد، حسن، ربا در قرآن، چاپ گلشن، چاپ اول، ۱۳۶۱ش.
۸. جزایری، احمد بن اسماعیل، قلائد الدرر فی بیان آیات الأحکام بالأثر، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۹. جواهری، حسن محمد تقی، الربا فقہیاً و اقتصادياً، مطبعة الخيام، ۱۴۰۵ ق.
۱۰. حر عاملی، شیخ محمد بن حسن، تفضیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران: المکتبه الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ق.
۱۱. حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران: انتشارات استقلال، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، لمفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۳. رجایی، سیدمحمدکاظم، بررسی اجمالی ربا، مجله معرفت، شماره ۵، تابستان ۱۳۷۲ش.
۱۴. رجایی، سیدمحمدکاظم، ماهیت بهره و ربا، دیدگاه مقایسه‌ای، مجله اندیشه حوزه، شماره ۵۳، مرداد و شهریور ۱۳۸۴.
۱۵. رضایی، حسن رضا، موضوعات و بایسته‌های پژوهش در حوزه قرآن و مستشرقان، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۶، ۱۳۸۸ش.
۱۶. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت: قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲ق.

۱۷. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله سیوری حلی، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران: مکتبه المرتضویه، ۱۳۸۴ ق.
۱۸. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۷ ق.
۱۹. شهید اول، دروس الشرعیه، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۲۰. شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، بیروت: دارالعلم، بی تا.
۲۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام فی شرح شرایع الاسلام، قم: مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ق.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۲۵. قمی، علی ابن ابراهیم، تفسیر القمی، بیروت: دارالسرور، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۲۶. کتاب مقدس، ترجمه تفسیری.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، الطبعة الرابعه، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۲۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، بی تا.
۳۰. مطهری، مرتضی، مسأله ربا به ضمیمه بیمه، انتشارات صدرا، چاپ هشتم.
۳۱. معرفت، محمد هادی، «مبانی حرام بودن ربا و مساله بانک»، مجله فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، شماره ۲۵ و ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، ربا و بانکداری اسلامی (مجموعه آثار)، بی جا: بی تا.
۳۴. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسيله، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۱ ق.
۳۵. موسوی خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، نجف اشرف: مطبعة الآداب، ۱۳۹۱ ق.
۳۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.